



مکتب حسینی از منظر امام رضا علیه السلام

سید جلال حسینی

درآمد

حسین بن علی علیه السلام در سوم شعبان سال چهارم هجری در مدینه به دنیا آمد.^۱ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نام بهشتی حسین^۲ را برای دومین نواداهش برگزید. این نام تا آن زمان در میان عرب جاهلی معروف نبود.

حضرت رضا علیه السلام به نقل از اسماء بنت عمیس می فرمایند: هنگامی که پس از تولد امام حسن علیه السلام، امام حسین علیه السلام به دنیا آمدند، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای اسماء!



پسرم را نزد من بیاور. وی را در میان پارچه سفیدی به او دادم. او را در آغوش گرفت و پس از گفتن اذان و اقامه در گوش راست و چپ نوزاد، به او می‌نگریست و می‌گریست. اسماء بنت عمیس سبب گریه را جویا شد؛ فرمود: «بعد از من، او را گروهی ستمگر خواهند کشت. خداوند شفاعتم را به ایشان نرساند.»^۳ حضرت رضا علیه السلام در ادامه، به نقل از اسماء بن عمیس درباره نام‌گذاری امام حسین علیه السلام می‌گوید: جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و عرض کرد: ای محمد! پروردگار به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید: علی برای تو همچون هارون برای موسی است؛ پس نام فرزندش را نام فرزند هارون قرار ده. پیامبر صلی الله علیه و آله نام فرزند هارون را جویا شد و جبرئیل عرض کرد: «شبیر» که به زبان عربی «حسین» است.^۴

حضرت جواد علیه السلام به نقل از پدر بزرگوارشان حضرت رضا علیه السلام چنین نقل می‌کنند که ایشان به واسطه پدران بزرگوار خود از امام حسین علیه السلام نقل کردند: خدمت جدم رسول الله صلی الله علیه و آله رسیدم، در هنگامی که ابی بن کعب هم در آن جا بود. حضرت فرمود: خوش آمدی ای ابو عبدالله و ای زینت آسمان و زمین! ابی گفت: یا رسول الله! چگونه کسی با وجود تو می‌تواند زینت آسمان و زمین باشد؟! حضرت فرمود: سوگند به خداوندی که مرا به پیغمبری برانگیخت، عظمت حسین بن علی در آسمان، از زمین بیشتر است. در طرف راست عرش نوشته‌اند: حسین مصباح هدایت و کشتی نجات است؛ حسین امامی است که خواری را قبول نمی‌کند و همواره عزیز و با فخر و دانش است و ذخیره برای این ملت می‌باشد. خداوند در صلب او نطفه‌ای قرار داده که پاک و بابرکت است. این نطفه پیش از آن که ارحام آفریده شوند و یا آب در اصلاب پدید آید، آفریده شده و پیش از روز و شب وجود پیدا کرده است.^۵

احیای نهضت حسینی

پس از واقعه عاشورا، اهل بیت علیهم السلام همواره بر احیای نهضت حسینی اهتمام داشتند. علی بن موسی الرضا علیه السلام در طول حیات شریفشان توجه خاصی به این امر داشتند که با بررسی در سیره و فرمایشات ایشان، روایات بسیاری از آن بزرگوار

به دست می‌آید. در این بخش به برخی از این روایات اشاره می‌نماییم.

الف. محرم؛ ماه هتک حرمت خاندان پیامبر ﷺ

تعیین مبدأ تاریخ برای مسلمانان در سال شانزدهم هجری، زمان خلافت خلیفه دوم و با مشورت حضرت علی علیه السلام صورت گرفت. مبدأ تاریخ را هجرت پیامبر ﷺ و ماه نخست آن را محرم سالی که هجرت در آن روی داده بود، گرفتند.^۶ علت نام‌گذاری این ماه آن بود که در ایام جاهلیت، جنگ در این ماه را حرام می‌دانستند. در دوم ماه محرم الحرام سال ۶۱ هجری، کاروان حضرت امام حسین علیه السلام وارد کربلا شد و در روز دهم که به «عاشورا» معروف است، او و یارانش را به شهادت رساندند.

امام هشتم شیعیان درباره این ماه فرمود: در جاهلیت، حرمت این ماه نگاه داشته می‌شد و در آن نمی‌جنگیدند، ولی در همین ماه، خون‌های ما را ریختند و حرمت ما را شکستند و فرزندان و زنان ما را اسیر کردند و خیمه‌ها را آتش زدند و غارت کردند و حرمت پیامبر را درباره ذریه‌اش رعایت نکردند!^۷

چون یکی از نمادهای

ماتم و عزادار بودن، دست

کشیدن از کسب و کار و تعطیل

کردن بازارهاست، در روایات توصیه

شده است که در روز عاشورا کسب و کار را

تعطیل کرده، به عزاداری برای سیدالشهداء علیه السلام

بپردازند. امام رضا علیه السلام در این باره فرموده‌اند:

هر کس که تلاش برای رفع نیازهایش را در

روز عاشورا به خاطر به پا داشتن عزا ترک

کند، خداوند حوایج دنیا و آخرتش را

برآورده سازد.

ب. عاشورا؛ روز مصیبت و

اندوه

عاشورا روز مصیبت و اندوه است و به فرموده امام رضا علیه السلام روز شهادت حسین علیه السلام چشم ما را زخم کرد و اشک ما را روان ساخت.^۸ و می‌فرمایند: تا روز قیامت بر مانند حسین باید گریست.^۹





حضرت رضا سیره پدر بزرگوارشان در این ایام را

چنین توصیف می فرمایند:

كَانَ أَبِي إِذَا دَخَلَ شَهْرَ الْمُحْرَمِ لَا يُرَى ضَاحِكًا وَ
كَانَتْ الْكَأْبَةُ تَغْلِبُ عَلَيْهِ حَتَّى يَمْضِيَ مِنْهُ عَشْرَةُ أَيَّامٍ فَإِذَا
كَانَ يَوْمُ الْعَاشِرِ كَانَ ذَلِكَ الْيَوْمَ مُمِيبَتَهُ وَ حُزْنَهُ وَ بُكَائِهِ وَ يَقُولُ
هُوَ الْيَوْمَ الَّذِي قُتِلَ فِيهِ الْحُسَيْنُ؛^{۱۰}

شیوه پدرم چنین بود که چون محرم می شد، خنده نداشت و اندوه بر او غالب بود تا روز دهم، مصیبت و حزن و گریه اش بود و می فرمود در این روز حسین کشته شد.

از این رو ایشان در توصیه ای مهم فرموده اند:

مَنْ كَانَ يَوْمَ عَاشُورَاءَ يَوْمَ مُصِيبَتِهِ وَ حُزْنِهِ وَ بُكَائِهِ جَعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ
الْقِيَامَةِ يَوْمَ فَرَحِهِ وَ سُورِهِ؛^{۱۱}

کسی که روز عاشورا روز مصیبت و حزن و گریه او باشد، خدا روز قیامت را روز شادی و خوشحالی وی قرار خواهد داد.

چراکه شیعه در اندوه اهل بیت علیهم السلام اندوهگین و در شادی آنها شاد است و روز عاشورا روز اندوه اهل بیت علیهم السلام است. کسانی که در این دنیا، در اندوه و شادی اهل بیت علیهم السلام همراه آنانند، در درجات عالی نیز قرین ایشان هستند. حضرت امام رضا علیه السلام خطاب به ابن شیبب فرمودند:

ابن شیبب إن سرتك أن تكون معنا في الدرجات العلى من الجنان فأحزننا
لحزننا وأفرحنا وعليك بولايتنا فلو أن رجلاً أحب حجراً الحشره الله
عز وجل معه يوم القيامة؛^{۱۲}

ای ابن شیبب! اگر دوست داری با ما در درجات عالی بهشت همراه باشی، در اندوه ما اندوهگین و در شادی ما، شاد باش، و بر تو باد به ولایت ما؛ زیرا اگر کسی سنگی را دوست داشته باشد، خداوند در روز قیامت او را با آن سنگ محشور خواهد کرد.

باید به این نکته توجه داشت که چون یکی از نمادهای ماتم و عزادار بودن،

دست کشیدن از کسب و کار و تعطیل کردن بازارهاست، در روایات توصیه شده است که در روز عاشورا کسب و کار را تعطیل کرده، به عزاداری برای سیدالشهداء علیه السلام پردازند. امام رضا علیه السلام در این باره فرموده‌اند:

مَنْ تَرَكَ السَّعْيَ فِي حَوَائِجِهِ يَوْمَ عَاشُورَاءَ قَضَى اللَّهُ لَهُ حَوَائِجَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛^{۱۳}

هر کس که تلاش برای رفع نیازهایش را در روز عاشورا به خاطر به پا داشتن عزا ترک کند، خداوند حوائج دنیا و آخرتش را برآورده سازد.

ج. سفارش به گریه بر امام حسین علیه السلام

گریه عالم، به‌ویژه گریه آسمان بر شهادت حضرت اباعبدالله علیه السلام در روایات منقول از ائمه هدی علیهم السلام منعکس شده است. برای مثال در روایت ابن شیبب از امام رضا علیه السلام بر گریه آسمان‌ها و زمین‌های هفت‌گانه بر مظلومیت اباعبدالله تصریح شده است.^{۱۴} راز این گریه، اظهار عظمت این مصیبت است؛ به گونه‌ای که در تمام اجزای عالم هستی دارای تاثیر بوده است.

همچنین باید دانست که تجلی بیرونی عزاداری برای امام حسین علیه السلام «اشک چشم» عزادار است و درون آن، مهر و محبتی است که خداوند در دل‌های آنان قرار داده است: «اشک، زیان دل و شاهد عشق است».^{۱۵} امام رضا علیه السلام در عظمت گریه بر

امام حسین علیه السلام خطاب به ریان بن شیبب می‌فرماید:

يَا ابْنَ شَيْبِيبٍ إِنَّ بِكَيْتِ عَلِيِّ الْحُسَيْنِ حَتَّى تَصِيرَ دُمُوعُكَ عَلَى خَدِّكَ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتَهُ؛

ای پسر شیبب! اگر بر حسین بگریی، چندان که اشک‌هایت بر گونه‌ات جاری شود، خداوند هر گناهی را که مرتکب شده‌ای، می‌آمرزد.

شاید علت این سفارش‌های اکید ائمه علیهم السلام و بزرگان دین به گریه بر امام حسین علیه السلام را در این امر بتوان جست‌وجو کرد که گریه و عزاداری برای امام حسین علیه السلام در واقع، مکتب او را زنده نگاه





داشته و پیام قیام او را به همه انسان‌ها انتقال داده است. بر این اساس، گریه در فرهنگ عاشورا، سلاح همیشه برآنی است علیه ستمگران و پاسدار خون شهیدان.^{۱۶} در این باره، سخن حضرت امام خمینی علیه السلام بسیار گویاست: هر مکتبی تا پایش سینه‌زن نباشد، تا پایش گریه کن نباشد... حفظ نمی‌شود.^{۱۷}

گریه کردن بر عزاداری امام حسین علیه السلام زنده نگه داشتن نهضت و زنده نگه داشتن همین معناست که یک جمعیت کمی در مقابل یک امپراتور بزرگ ایستاد... آنها از همین گریه‌ها می‌ترسند؛ برای این که این گریه‌ای است که گریه بر مظلوم است؛ فریاد مقابل ظالم است.^{۱۸} بنابراین، گریه برای امام حسین علیه السلام اعلام وفاداری به آن حضرت و پای بندی به نهضت و آرمان‌های اوست.

د. ترغیب و تشویق شاعران به سرودن اشعار و مرثی در عزای حسینی

با بررسی سیره ائمه معصومین علیهم السلام درمی‌یابیم که ایشان نسبت به ترغیب و تشویق شاعران برای سرودن شعر و مرثی در عزای امام حسین علیه السلام اهتمام خاصی داشتند؛ چراکه این امر، یکی از عوامل مهم در احیای فرهنگ عاشورا به شمار می‌رود. از این رو شعر حسینی یکی از پرعاطفه‌ترین، تأثیرگذارترین و صادق‌ترین اشعار شمرده می‌شود. عظمت فاجعه عاشورا، فشار و بی‌عدالتی حاکمان، سوز و شور دینی، بی‌نظیری حماسه حسینی و تشویق امامان و بزرگان دین، از عوامل شکوفایی فرهنگ عاشورا در جهان اسلام بوده است. استاد شهید مرتضی مطهری (ره) در این باره می‌گوید:

(ائمه می‌خواستند) قیام امام حسین علیه السلام به صورت یک مکتب و به صورت یک مشعل فرزوان همیشه باقی بماند. این یک چراغی است از حق، از حقیقت دوستی و از حقیقت خواهی. این یک ندایی است از حق طلبی، از حریت و آزادی. این مکتب آزادی و این مکتب مبارزه با ظلم را خواستند برای همیشه باقی بماند. در زمان خود ائمه اطهار علیهم السلام که این دستور صادر شد، سبب شد که جریان زنده

و فعال و انقلابی به وجود آید. نام امام حسین علیه السلام شعار انقاب علیه ظلم گشت. یک عده شاعر انقلابی به وجود آمدند؛ مانند: کمیت اسدی، دعبل خزایی، سید حمیری و...؛ کمیت اسدی می‌داند کیست؟ همان کسی که با اشعارش از یک سپاه بیشتر برای بنی‌امیه ضرر داشت.^{۱۹}

«دعبل خزایی» شاعر اهل بیت علیهم السلام نقل کرده است:

ایام محرم بود که به زیارت امام هشتم علی بن موسی الرضا علیه السلام رفتم. دیدم آن حضرت با حالت حزن و اندوه نشسته و اصحاب هم به دور ایشان جمع شده‌اند. چون مرا دید، فرمود: ای دعبل! دوست دارم شعری بخوانی؛ زیرا این روزها غم و اندوهی است که بر خاندان ما رفته است و کسی که بر مصیبت جدم حسین علیه السلام بگرید، خداوند گناهان او را می‌آمرزد. سپس آن حضرت از جای خویش برخاست و پرده‌ای را نصب کرد و اهل خانه را در پشت آن پرده قرار داد تا در مصایب جدشان عزاداری کنند. در این حال رو به سوی من کرد و فرمود: برای جدم حسین علیه السلام مرثیه‌ای بخوان. من نیز اشعاری خواندم؛ به طوری که صدای گریه امام رضا علیه السلام و اهل بیت او بلند شد.^{۲۰}

ه. سفارش به لعن فاتلان

امام حسین علیه السلام

لعن فاتلان و دشمنان
امام حسین علیه السلام امری
است که براساس
نصوص و روایات
متعدد، توصیه شده؛
به طوری که در آن
روایات بر براءت
و تبری جستن از
قاتلان اهل بیت علیهم السلام و
استحباب لعن آنان تأکید

تجلی بیرونی عزاداری

برای امام حسین علیه السلام «اشک

چشم» عزادار است و درون آن، مهر
و محبتی است که خداوند در دل‌های آنان
قرار داده است: «اشک، زبان دل و شاهد
عشق است». امام رضا علیه السلام در عظمت گریه
بر امام حسین علیه السلام خطاب به ریان بن شیب
می‌فرماید: ای پسر شیب! اگر بر حسین
بگری، چندان که اشک‌هایت بر گونه‌ات
جاری شود، خداوند هر گناهی را که
مرتکب شده‌ای، می‌آمرزد.





شده است.

حضرت رضا علیه السلام در این باره خطاب به ابن شیب

می فرماید:

يَا ابْنَ شَيْبِ بْنِ سَرْكٍ اِنْ تَسْكُنَ الْغُرْفَ الْمَبْنِيَّةَ فِي
الْجَنَّةِ مَعَ النَّبِيِّ فَالْعَنَ قَتْلَةَ الْحُسَيْنِ؛^{۲۱}

ای ابن شیبیب! اگر دوست داری با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در غرفه‌های
بهشت همراه باشی، قاتلان حسین را لعنت کن.

لعن به معنای نفرین کردن است؛ یعنی دور شدن از رحمت و عفو و مغفرت
خویش، با دعای ملائکه و دیگر لعن‌کنندگان؛^{۲۲} ﴿اِنَّ اللّٰهَ لَعَنِ الْكٰفِرِيْنَ وَاَعَدَّ لَهُمْ
سَعِيْرًا﴾؛ خداوند کافران را لعن می‌کند و عذاب را برای آنان آماده کرده است.
پس نمی‌توان از برکات حسینی استفاده برد، مگر آن‌که ابتدا دشمنان او را
لعن کنیم و سپس بر او سلام بفرستیم. قرآن می‌فرماید: ﴿اَشْدَّاءُ عَلٰی الْكٰفِرٰٓءِ رَحْمٰٓءُ
بَيْنَهُمْ﴾.^{۲۴}

و. آرزوی همراه بودن با امام حسین علیه السلام

آرزوی رسیدن به فیض عظیم شهادت در رکاب ولی خدا و رستگار شدن، برای
کسانی که در معرکه کربلا نبوده‌اند، آرزویی شیرین است. شهادت را رستگاری
دانستن و آرزوی درک آن فیض، در واقع، همراهی با سیدالشهداء علیه السلام است.
این آرزو در زیارتنامه‌های آن حضرت با عبارتهای مختلفی بیان شده است؛
همچون:

فزتم والله فليت اني معكم فافوز فوزا عظيما؛^{۲۵}

یا لیتنی کنت معکم فافوز فوزا عظیما؛^{۲۶}

فیالیتنی کنت معکم فافوز معکم.^{۲۷}

حضرت رضا علیه السلام خطاب به همه کسانی که چنین آرزویی دارند، چنین
می‌فرماید:

اِنْ سَرَّكَ اَنْ يَكُوْنَ لَكَ مِنَ الثَّوَابِ مِثْلَ مَا لَمَنْ اسْتَشْهَدَ مَعَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ
فَقُلْ مَتَى ذَكَرْتَهُ يَأْتِيَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَاَفُوزُ فَوْزًا عَظِيمًا؛^{۲۸}

اگر دوست داری ثوابی مانند ثواب کسانی که همراه حسین بن علی علیه السلام شهید

شدند داشته باشی، هر گاه به یاد او افتادی بگو: «یا لیتنی کنت معهم فافوز فوزاً عظیماً» ای کاش با آنان می بودم و به فوز عظیم می رسیدم.

۲. زیارت امام حسین علیه السلام

یکی از شیوه‌هایی که امامان علیهم السلام برای احیای نهضت عاشورا به کار گرفتند، توجه فراوان به زیارت امام حسین علیه السلام بود. زیارت مرقد پاک حضرت امام حسین علیه السلام جایگاهی بسیار رفیع دارد و از ویژگی‌های بزرگی برخوردار است؛ به طوری که امام رضا علیه السلام می‌فرمایند:

مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ بِشَطِّ الْفَرَاتِ، كَانَ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فَوْقَ عَرْشِهِ؛^{۲۹}
کسی که به زیارت قبر ابا عبدالله علیه السلام در کنار فرات رود، همانند کسی است که به زیارت خدا بر عرش او رفته است.

شاعری این معنا را چنین به نظم درآورده است:

و حَدِيثٌ عَنِ الْإِثْمَةِ فِيمَا
قَد رَوَيْنَا عَنِ الشُّيُوخِ الثَّقَاتِ
إِنَّ مِنْ زَارِهِ كَمَنْ زَارَ ذَا الْعَرْشِ
عَلَى عَرْشِهِ بَغَيْرِ صِفَاتِ^{۳۰}

یعنی زائر وی، مثل کسی است که خدا را در عرش عبادت کرده باشد.

حضرت رضا علیه السلام در تفسیر معنای زیارت خداوند فرموده‌اند که چون رؤیت و زیارت خداوند ممکن نیست، خداوند زیارت ابا عبدالله علیه السلام را به منزله زیارت خود قرار داده است.^{۳۱} ایشان در پاسخ سؤال فردی که از زیارت امام حسین علیه السلام پرسیده بود، کلامی را بدین مضمون از پدر بزرگوارشان نقل فرمودند:

من زار قبر الحسين عارفا بحقه كتب الله له في عليين؛^{۳۲}
هر کس قبر سیدالشهدا علیه السلام را زیارت کند و عارف به حقش باشد، خداوند او را در زمره مقربان خود خواهد نوشت.
نکته‌ای که امام بر آن تأکید دارند این است که این زیارت باید





همراه با معرفت باشد؛ به این معنا که حق و مقام زیارت شونده را بداند (عارفاً بحقه)؛ یعنی بداند که اطاعت از امام واجب و پیروی از راه و روش او دستور دینی است و به یقین یکی از مؤثرترین و مهم‌ترین راه‌های شناخت و ایجاد ارتباط قلبی و فکری با معصومین علیهم‌السلام زیارت و حضور در حرم‌های ایشان است. محمد بن سلیمان به نقل از امام جواد علیه‌السلام «معرفت» را چنین تفسیر می‌کند:

عارفاً بحقه یعلم انه حجة الله علی خلقه و بابه الذی یؤتی منه فسلم علیه...
۳۳

بداند که حجت خداوند بر روی زمین و بهترین طریق شناخت و ارتباط با حضرت حق است.

انسان در سایه زیارت، درمی‌یابد که ضمن حرمت نهادن به مقام والای امامت و ولایت، باید در عرصه‌های معنوی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، امام را پیشوا و مقتدا قرار داده، به حق پیروی کند و این پیروی و پذیرش امامت را باور داشته باشد و زندگی بدون امامت را، زندگی در جهات و گمراهی بداند: «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیه».^{۳۴}

بنابراین، زائر هنگامی عارف به حق امام است و به ولایت و حرمت وی آگاهی دارد و از او پیروی می‌کند که او را معصوم، افضل و اعلم از دیگران، جانشین رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و منصوب از جانب خدا بداند؛ او امر و دستورهایش را اوامر الهی بشمارد؛ تبعیت از وی را در تمام امور زندگی واجب بداند؛ با اقتدا و پیروی از سیره و سنت او خط سیر زندگی خود را ترسیم کند.

حضرت رضا علیه‌السلام درباره زمان مخصوص زیارتی امام حسین علیه‌السلام و شیوه زیارت ایشان فرمودند: در نیمه رجب و شعبان، مستحب است زائر پیش از زیارت، غسل کند و به هنگام زیارت «دعای ام داوود» را بخواند. هرگاه خواست این اعمال را انجام دهد، باید روز سیزده و چارده و پانزدهم را روزه بگیرد و در هنگام ظهر روز پانزدهم غسل کند و پس از این که نماز ظهر و عصر را به جای آورد، در جای خلوتی قرار گیرد و رو به قبله بنشیند و صد بار سوره حمد و توحید و ده بار آیه الکرسی را بخواند. سپس سوره انعام، بنی اسرائیل، کهف، لقمان، یس، صافات، حم

سجده، حم عسق، دخان، فتح، واقعه، ملک، نون و اذا السماء انشقت را تا آخر قرآن قرائت کند. هرگاه از قرائت فارغ شد، بگوید: «صدق الله العظيم الذي لا اله الا هو الحي القيوم» تا آخر دعا.^{۳۵}

۳. تربت حسینی

خداوند، به پاس فداکاری بزرگ سیدالشهداء علیه السلام و ایثار جان خود و خاندانش در راه احیای دین، آثار ویژه و احکام خاصی در تربت مقدس ایشان و خاک کربلا قرار داده است. آنچه به تربت سیدالشهداء علیه السلام قداست و کرامت بخشیده، همان خون حسین علیه السلام و شهادت ثارالله است که الهامبخش فداکاری عظیم او و یادآوری جان باختن در راه ارزش‌های الهی است. از این رو سجده بر آن تربت مستحب است؛ ذکر گفتن با تسبیح تربت فضیلت بسیار دارد؛ شفا دهنده بیماری‌هاست و ده‌ها اثر دیگر که در روایات وارده از ائمه معصومین علیهم السلام در این باره وارد شده است. در این جا به برخی از فرموده‌های امام رضا علیه السلام در این موضوع اشاره می‌شود.

الف. جایگاه تربت
حسینی نزد امام
رضا علیه السلام

ابی‌بکار در این باره
می‌گوید:
أَخَذْتُ مِنَ التُّرْبَةِ الَّتِي
عِنْدَ رَأْسِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ
بَنِ عَلِيٍّ فَإِنَّهَا طِينَةٌ
حَمْرَاءُ فَدَخَلْتُ عَلَى الرَّضَا
فَعَرَضْتُهَا عَلَيْهِ فَأَخَذَهَا فِي

امام علی بن
موسی الرضا علیه السلام از خراسان
برایم بسته‌ای را فرستاد؛ وقتی آن
را گشودم، در میانش خاکی را یافتم.
از کسی که آن را آورده بود پرسیدم: این
چیست؟ گفت: خاک قبر امام حسین علیه السلام است.
حضرت امام رضا علیه السلام هدیه‌ای برای کسی
نمی‌فرستد، مگر آن که کمی از این خاک را
در میانش می‌گذارد و می‌فرماید: به اذن و
مشیت خدا امان از بلاهاست.





كَفَّهُ ثُمَّ بَكَى حَتَّى جَرَّتْ دُمُوعُهُ ثُمَّ قَالَ هَذِهِ
تُرْبَةُ جَدِّي؛^{۳۶}

از تربتی که بالای سر قبر حضرت حسین بن
علی علیه السلام بود، مقداری برداشتم؛ تربتی سرخ رنگ بود؛
پس بر حضرت رضا علیه السلام وارد شده و آن را به حضرت
عرضه داشتم. آن جناب تربت را در کف دستشان نهاده و بوییدند؛
پس چنان گریستند که اشک‌های مبارک‌شان جاری شد؛ سپس فرمودند: این
تربت جدم می‌باشد.

ب. تربت امام حسین ^(۷)، شفای هر درد

از جمله آثار و برکات قطعی تربت پاک سیدالشهداء علیه السلام شفابخش بودن آن
برای دردها و آلام انسان است. سعد بن سعد از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده که
از امام پرسیدم خوردن گل چگونه است؟ فرمود: خوردن گل مانند میته و خون
و گوشت خوک حرام است، مگر گل قبر حسین علیه السلام که در او شفای هر دردی
هست و انسان را از هر ترس آرامش می‌دهد.^{۳۷}

ج. تسبیح تربت امام حسین علیه السلام و ذکر توصیه شده امام رضا علیه السلام با آن
ذکر گفتن با تسبیحی که از تربت امام حسین علیه السلام ساخته شده و حتی همراه
داشتن آن مستحب است. امام صادق علیه السلام فرمودند:

من كان معه سبحة من طين قبر الحسين كتب مسبحاً و إن لم يسبح بها؛^{۳۸}
هر کس تسبیحی از تربت قبر امام حسین علیه السلام همراه داشته باشد، تسبیح گو
نوشته می‌شود؛ هر چند با آن تسبیح نگوید.

از حضرت رضا علیه السلام نقل شده است که فرمودند:

من أدار الطين من التربة فقال: سبحان الله والحمد لله و لا اله الا الله والله أكبر،
مع كل حبة منها كتب الله له بها ستة آلاف حسنة، و محاسبته ستة آلاف سيئة،
و رفع له ستة آلاف درجة، و اثبت له من الشفاعة مثلها؛^{۳۹}

هر که تسبیحی که از تربت امام حسین علیه السلام درست شده را بچرخاند و بگوید:
منزه است خداوند و سپاس مخصوص اوست و معبودی جز او نمی‌باشد و خداوند

برتر از توصیف است، با هر قطعه‌ای از تسبیح، خداوند شش هزار نیکی برای او نوشته و شش هزار گناه را محو می‌کند، و شش هزار درجه مقامش بالاتر رفته و همین مقدار شفاعت را نصیب او می‌کند.

د. تربت حسینی؛ هدیه امام رضا علیه السلام

«ابن قولویه» از شخصی نقل می‌کند که گفت: امام علی بن موسی الرضا علیه السلام از خراسان برایم بسته‌ای را فرستاد؛ وقتی آن را گشودم، در میانش خاکی را یافتم. از کسی که آن را آورده بود پرسیدم: این چیست؟ گفت: خاک قبر امام حسین علیه السلام است. حضرت امام رضا علیه السلام هدیه‌ای برای کسی نمی‌فرستد، مگر آن که کمی از این خاک را در میانش می‌گذارد و می‌فرماید: به اذن و مشیت خدا امان از بلاهاست.^{۴۰}

پی‌نوشت‌ها:

۱. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۲۳۱.
۲. «الحسن و الحسين اسمان من اسماء اهل الجنة لم یكونا فی الجاهلیة»، ابن حجر هیثمی، الصواعق المحرقة، ص ۱۹۰؛ جلال‌الدین سیوطی، تاریخ الخلفاء، ص ۷۳.
۳. شیخ طوسی، امالی، ج ۱، ص ۳۷۷.
۴. شیخ صدوق، عیون أخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۵.
۵. عیون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۵۶ - ۶۰.
۶. سید جعفر شهیدی، تاریخ تحلیلی اسلام، ص ۳۰.
۷. شیخ صدوق، امالی، ص ۱۱۱، ح ۲؛ محمد بن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ص ۱۸۷، س ۱۳؛ سید بن طاووس، إقبال الأعمال، ص ۱۶، س ۱۲.
۸. همان.
۹. همان.
۱۰. امالی صدوق، ص ۱۲۸.
۱۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۸۴.





۱۲. عیون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۳۰۰.
۱۳. همان، ص ۲۹۸.
۱۴. همان، ج ۲، ص ۲۶۸.
۱۵. جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، ص ۳۸۲.
۱۶. محمد کاویانی، روان‌شناسی عزاداری، تعالیم اخلاقی و عرفانی امام حسین علی‌السلام، ص ۳۸۴.
۱۷. امام خمینی، صحیفه نور، ج ۸، ص ۷۰.
۱۸. همان، ج ۱۹، ص ۳۱ و ۳۲.
۱۹. مرتضی مطهری، ده گفتار، ص ۲۵۱ و ۲۵۲.
۲۰. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۷۵.
۲۱. عیون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۳۰۰.
۲۲. علامه طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۳۹۰.
۲۳. احزاب، آیه ۶۴.
۲۴. فاطر، آیه ۶.
۲۵. مفاتیح الجنان، زیارت اول امام حسین علی‌السلام، ص ۴۲۴.
۲۶. همان، زیارت ششم، ص ۴۲۷.
۲۷. همان، زیارت وارث، ص ۴۳۰.
۲۸. عیون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۳۰۰.
۲۹. مناقب آل ابی‌طالب، ج ۴، ص ۲۷۲.
۳۰. همان، ج ۳، ص ۲۷۳.
۳۱. محمد علوی شجری، فضل زیارة الحسین، ص ۷۱، ج ۵۷.
۳۲. مرتضی فیروزآبادی، فضائل الخمسه من الصحاح السنه، ج ۳، ص ۳۲۱.
۳۳. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۳۷.
۳۴. عبدالله جوادی آملی، فلسفه زیارت و آیین آن، ص ۹۳؛ بحار الانوار، ج ۸، ص ۳۶۸.
۳۵. عزیزالله عطاردی، مسند امام رضا علی‌السلام، ج ۲، ص ۱۳.
۳۶. ابن قولویه قمی، کامل الزیارات، ص ۲۸۳.
۳۷. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۶، ص ۳۷۸.
۳۸. بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۳۲۲.
۳۹. محمد بن جعفر مشهدی، المزار الكبير، ص ۳۶۷، ج ۱۳.
۴۰. کامل الزیارات، باب ۹۲، ص ۲۷۸، ج ۱.